



با کاهش قدرت خرید کارگران پس وعده ترمیم دستمزد چه شد؟

مخالفت کارگران با طرح مزد منطقه‌ای
با نزدیک شدن قیمت دلار به سی هزار تومان

و نرخ تورم به شصت درصد، خط فقر در کلان‌شهرها حداقل ده میلیون تومان در ماه شده است. در ماه‌های اخیر حتا تشکل‌های دست‌ساز رژیم نیز خط فقر در کلان‌شهرها را ۹ میلیون تومان عنوان می‌کنند. حدود ۷۰ درصد کارگران شاغل "حداقل‌بگیر" هستند. آنان در صورتی که مشمول قانون کار باشند، "در بهترین حالت ۲ میلیون و ۶۱۱ هزار تومان" مزد دریافت می‌کنند. گرچه به هیچ کارگری از حداقل مزد جدید تعیین شده توسط شورای عالی کار یعنی ۲ میلیون و ۶۱۱ هزار تومان کم‌تر نباید پرداخت شود، به گزارش ۹ مهرماه ایلسنا و بر اساس "گفتمان جدید" کلان‌سرمایه‌داران، کارفرمایان می‌توانند کارگران قرارداد موقتی، زنان سرپرست خانوار، و جز اینان، را با "حقوق وزارت کار" استخدام کنند، به عبارت دیگر، این کارگران که به آنان "معمولاً مزایای مزدی مانند حق سنوات، بن خواربار و حق مسکن را نمی‌پردازند"، با "پایه مزد یک میلیون و ۹۰۰ هزار تومان" به کار می‌گیرند. این یعنی ۷۰ درصد کارگران کشورمان در بهترین حالت به میزان یک‌چهارم خط فقر (یعنی یک میلیون و ۹۰۰ هزار تومان) دستمزد

ادامه در صفحه ۳

نامۀ
کارگری
ضمیمه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۸، ۲۱ مهر ماه ۱۳۹۹



ماهیگیران، زحمتکشان فراموش شده!

هزاران تن از زحمتکشان مناطق شمالی و جنوبی میهن ما به شغل پرخطر اما کم‌درآمد ماهیگیری مشغول هستند. کم‌تر گزارش و خبری از چگونگی معیشت این زحمتکشان و خانوارهای آنان و اعتراض‌های شان به شرایط موجود انتشار یافته است. بسیاری از خانواده‌های زحمتکش جنوب و شمال کشور از راه این شغل سخت امرار معاش می‌کنند. با همه این سختی‌ها چند سالی است که منبع درآمد صیادان زحمتکش به‌مخاطره افتاده است. از زمان اجرای تعدیل ساختاری به‌طور پیوسته امنیت شغلی و معیشت ماهیگیران رو به‌وخامت گذاشته است. با آزادسازی قیمت بنزین در سال گذشته رشد شتابان فقر در میان خانوارهای ماهیگیران در استان‌های گیلان، مازندران، گلستان، خوزستان، بوشهر، هرمزگان، سیستان و بلوچستان و ماهیگیران جزایر متعلق به استان‌های جنوبی در خلیج فارس و دریای عمان را شاهد بوده‌ایم. به‌گفته رئیس اتحادیه صیادی کل کشور ۱۵۰ هزار نفر در سواحل جنوبی و شمالی کشور از طریق ماهیگیری امرار معاش می‌کنند. مطابق گزارش ایلسنا، پانزدهم شهریورماه امسال، رئیس اتحادیه صیادی تاکید کرده است: "باوجود اینکه صیادی از بسیاری از مشاغل که سخت و زیان‌آور شناخته شده‌اند، سخت‌تر و اشتغال در آن‌ها با آسیب‌های بیشتری همراه است، این شغل، سخت و زیان‌آور محسوب نشده و صیادان مشمول بازنشستگی زود هنگام نمی‌شوند. بسیاری از صیادان بیمه نیستند، چون باید به‌صورت آزاد این کار را بکنند و این از توان آن‌ها خارج است. آن‌هایی هم که بیمه هستند سختی و زیان‌آوری کارشان لحاظ نشده است." در سال‌های اخیر بحث شیلات و صید ترال ۱ به‌صورتی جدی مطرح گردیده و حرکت‌های اعتراضی ماهیگیران را سبب شده است. به‌علاوه، صید به‌روش کفروب تنها تأمین‌کننده منافع بنیادهای انگلی و سپاه است. این نوع صید و صیدهای غیرمجاز، معیشت صیادان زحمتکش را به‌خطر انداخته است و صیادان خواستار ممنوع شدن آن هستند. پس از اعتراضات صیادان، مسئولان هم بارها گفته‌اند با صید ترال برخورد می‌شود، اما آن‌طور که رئیس اتحادیه صیادی سیستان و بلوچستان می‌گوید صید ترال همچنان در آب‌های این استان صورت می‌گیرد و منظور از برخورد با آن تنها "نظارت" ظاهری بر فعالیت شناورهای صید ترال است و نه ممنوعیت آن. صید کفروب یا ترال به‌شدت به امنیت شغلی ماهیگیران لطمه زده و به‌بیکاری شمار زیادی از زحمتکشان ماهیگیر منجر شده است، اما با این وجود به‌خواست آنان توجهی نشده و نمی‌شود. در این باره مدیرکل دفتر حفاظت از زیست‌بوم‌ها و سواحل دریایی سازمان حفاظت محیط زیست یادآوری می‌کند که نبود نظارت کافی از سوی دستگاه‌های مسئول از جمله سازمان شیلات، نیروی انتظامی، و سازمان حفاظت محیط زیست دلیل تخلف عده‌ای منفعطلب است که به منافع ملی توجهی ندارند و در این میان صدها خانوار محروم ماهیگیرانند که دچار فقر و فلاکت شده‌اند. مسلماً این عده منفعطلب که از بردن نامشان خودداری می‌شود نمی‌توانند بدون برخورداری از امکانات یا

ادامه در صفحه ۳

واکاوی برخی مسایل
میرم جنبش کارگری و
سندیکایی میهن ما:
منافع طبقه کارگر،
خصوصی‌سازی‌ها، حقوق
سندیکایی، نظارت
کارگری، و استبداد ولایی

در ماه‌های اخیر و به‌موازات رشد جنبش اعتراضی طبقه کارگر و زحمتکشان در سراسر کشور و گسترش این اعتراض‌ها به برخی از صنایع و واحدهای راهبردی، یک رشته موضوع‌های مهم نظری-سیاسی، صنفی-سندیکایی و سازمانی به محور بحث بین مبارزان جنبش کارگری، سندیکالیست‌های مبارز، و نیز نیروهای مترقی و مخالف دیکتاتوری حاکم تبدیل گردیده است. هم‌اکنون در بین فعالان حرکت‌های سندیکایی و هواداران منافع کارگران و زحمتکشان میهن ما مباحث پراهمیتی با جدیت تمام جریان دارند که عبارتند از: بررسی ابعاد ملی و فراگیر مبارزه با برنامه خصوصی‌سازی، سمت و مضمون مخالفت زحمتکشان با راهبرد اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه (به‌ویژه برنامه تعدیل ساختاری)، چگونگی بازگشت صنایع و مؤسسه‌های

ادامه در صفحه ۲

پیش به‌سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم،
بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل
کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!

**پیش به سوی اتحاد عمل و ارتقاء سطح سازماندهی و همبستگی
به هدف پیوند اعتراض‌ها و اعتصاب‌های پراکنده به یکدیگر در
مبارزه علیه دیکتاتوری ولایی**



و زحمتکشان از سازمان پایه طبقاتی شان یعنی سندیکا امکان نداشته و نخواهد داشت. درست به همین دلیل است که ارگان‌های امنیتی رژیم و همسو با آن‌ها رهبران فاسد تشکل‌های زرد حکومتی - به ویژه "خانه کارگر" - با خواست کارگران برای احیای حقوق سندیکایی مقابله می‌کنند و می‌کوشند با ایجاد بحث‌هایی انحرافی در جنبش کارگری - سندیکایی در این جنبش پراکندگی و تفرقه به وجود آورند. مبارزه با خصوصی‌سازی و مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی و حق نظارت و کنترل کارگری حلقه‌هایی به هم پیوسته‌اند که نمی‌توان یکی را از دیگری جدا کرد. از همه روزنه‌ها برای پیشبرد این دو مبارزه باید استفاده کرد. اما آنچه وظیفه‌ای اساسی به‌شمار می‌آید عبارت است از اتحاد عمل فراگیر و تشدید مبارزه. تجربه وعده ترمیم مزد و سپس توقف و از دور خارج شدن آن از دستور کار و جایگزینی‌اش با طرح مزد منطقه‌ای که پیش‌درآمد اجرای آزادسازی مزد است. بهترین گواه بر ادامه اجرای برنامه تعدیل ساختاری با وجود مانورهای فریبکارانه است. بنابراین تأکید بر این واقعیت که زیر فشار اعتراض‌های کارگری امکان خلع‌ید از برخی افراد که با رانت بر مؤسسه‌های بزرگ صنعتی چنگ انداخته‌اند (با آنکه می‌تواند گامی موفقیت‌آمیز در راستای خواست‌های حداقلی صنفی - رفاهی زحمتکشان باشد) امنیت شغلی زحمتکشان را که خواستی اساسی در جنبش کارگری و سندیکایی است آن‌گونه که باید تأمین نخواهد کرد. از این موضوع چه نتیجه‌ای به دست می‌آید؟ این نتیجه که دقیقاً از همین زاویه است که جنبش اعتراضی کنونی زحمتکشان افقی گسترده‌تر می‌یابد و با مبارزه سیاسی پیوند خورده و ناگزیر و به‌صورتی عینی با جنبش همگانی ضد استبداد مرتبط می‌شود. همچنین باید یادآوری کنیم که طرح اصلاح قوانین تأمین اجتماعی نیز که از سوی وزیر کار بار دیگر در دستور کار قرار گرفته نمونه‌ای دیگر است که اثبات می‌کند نباید فریب مانورهای رژیم را در قبال مبارزات کارگری خورد و باید همواره بر تشدید مبارزه، اتحاد عمل فراگیر، و استقلال عمل طبقاتی پافشاری کرد. با آنچه به آن‌ها اشاره و بر آن‌ها تأکید شد مسئله تقویت و تحکیم جایگاه جنبش کارگری، وحدت جنبش سندیکایی و پیوند آن با مبارزه ضد دیکتاتوری برجسته می‌شود. مبارزات جنبش کارگری و اعتراض‌های کارگری در خلأ سیاسی و بدون ارتباط با پویه‌های صحنه سیاسی رخ نداده و نمی‌دهد.

کوتاه‌سخن، بحث پیرامون مسائل مبرم و کنونی در میان مبارزان جنبش کارگری و سندیکایی می‌تواند سازنده و راهگشا باشد. از این بحث‌های نظری سالم می‌باید استقبال کرد، به ویژه آنکه این گفت‌وگوها می‌تواند به وسیله و ابزاری برای نزدیکی و اتحاد عمل تبدیل شوند. حزب ما همواره و به روشنی تمام تأکید کرده است که اختلاف ایدئولوژیک و نظری میان گروه‌های زحمتکشان هرگز مانعی غلبه‌ناپذیر در راه اتحاد عمل فراگیر و وحدت سندیکایی به‌منظور رسیدن به هدف‌های مشترک نیست و نمی‌تواند باشد. با احساس مسئولیت باید در راه تقویت جنبش کارگری و سندیکایی و پیوند آن با پیکار همگانی ضد استبداد ولایی دست در دست هم بکوشیم.

ادامه در ادامه اعتراض‌های کارگری ...

صنعتی و تولیدی واگذار شده (خصوصی‌سازی شده) به زیر پوشش بخش دولتی یا واگذاری مجدد این مؤسسه‌ها به نهادهای وابسته به سپاه، خیریه‌ها، و بنیادهای انگلی (واگذاری‌هایی که خود در واقع بخشی از ادامه اجرای تعدیل ساختاری است)، احیای حقوق سندیکایی و نسبت آن با تشکیل نهاد شورا برای تأمین حق نظارت و کنترل کارگری بر امر تولید، رابطه متقابل جنبش کارگری - سندیکایی با پیکار همگانی ضد استبداد، و بحث‌هایی از این دست. اهمیت اصولی چنین مباحثی هنگامی آشکارتر می‌شود که به سیر تحول‌های صحنه سیاسی و آرایش نیروها در میدان مبارزه طبقاتی توجه دقیق کرده و جایگاه مبارزات کارگری را در دل این مبارزه طبقاتی ارزیابی کنیم. علاوه بر این، گفت‌وگوهای سازنده و مبتنی بر احساس مسئولیت برای دستیابی به نتایج واقع‌بینانه از بحث‌های جاری، بی‌تردید در تقویت جنبش کارگری - سندیکایی و میزان اثرگذاری آن در دو عرصه صنفی و سیاسی نقشی اساسی خواهند داشت.

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مبارزه طبقه کارگر مخالفت قاطع با برنامه خصوصی‌سازی که هسته اصلی سیاست تعدیل ساختاری است. از این روی، برخی از مبرم‌ترین مسئله‌های نظری و بحث‌های کنونی در حرکت‌های سندیکایی زحمتکشان نیز با موضوع خصوصی‌سازی مرتبط بوده و هست. در پرتو مبارزه هشیارانه کارگران و زحمتکشان در چند سال اخیر، اینک مخالفت با خصوصی‌سازی و خواست توقف این برنامه ضد ملی و ضد کارگری نه تنها خواست زحمتکشان رشته‌ها و واحدهای مختلف سراسر کشور است، بلکه به خواستی فراگیر با ابعاد ملی تبدیل شده است. در مقابل این خواست فراگیر و ملی، حکومت جمهوری اسلامی همچنان به اجرای راهبرد اقتصادی‌اش - یعنی خصوصی‌سازی - با توسل به مانورهای فریبکارانه همچنان ادامه می‌دهد. ابداع و رواج واژه‌ها و مفاهیمی گمراه‌کننده مانند: "اهلیت نداشتن افراد در جریان واگذاری‌ها" یا "به جای "خصوصی‌سازی اجرای خصوصی‌سازی" ترفندهایی‌اند که رژیم آگاهانه بر آن‌ها تأکید می‌کند و به‌بزرگ‌نمایی کردن‌شان در اندیشه‌های همگانی می‌پردازد. چنین اقدام‌هایی در حقیقت زمینه لازم برای نمایش مشمزنکننده مبارزه با فساد و رانت‌خواری را فراهم می‌آورد تا به این وسیله از حجم سنگین فشار اجتماعی و سیاسی بر استبداد مذهبی حاکم در عرصه اقتصادی به‌زعم خود بکاهد. خصوصی‌سازی در جمهوری اسلامی یا هر کشور دیگری در چهارچوب معین تاریخی، اجتماعی، سیاسی، و توازن قوای طبقاتی‌ای معین صورت می‌گیرد و از این روی بار و مفهومی طبقاتی دارد. این نکته کلیدی را نباید فراموش کنیم که خصلت طبقاتی حاکمیت دولتی و سمت‌گیری آن، ماهیت و محتوای فعالیت بخش‌های دولتی، تعاونی، و خصوصی آن را هم تعیین می‌کند. خصوصی‌سازی در میهن ما دقیقاً با توجه به خصلت طبقاتی رژیم ولایت فقیه انجام شده و می‌شود که نتیجه ناگزیر آن نیز تضعیف بنیه تولیدی، فقر و فلاکت زحمتکشان و دیگر لایه‌های اجتماعی، و تأمین منافع سرمایه بزرگ تجاری (در اتلافش با سرمایه بوروکراتیک ضد ملی و رانت‌خوار) است. فساد مالی در ابعاد گسترده، رانت‌خواری، حیف‌ومیل اموال ملی، و رشوه دادن و گرفتن در چارچوب اجرای برنامه تعدیل ساختاری - به‌ویژه در خصوصی‌سازی‌ها - ناشی از خصلت طبقاتی رژیم ولایت فقیه و در ذات این رژیم است.

از آنچه بدان‌ها اشاره کردیم به‌درستی می‌توان این نتیجه را گرفت که مخالفت با خصوصی‌سازی از سویی مبارزه برای تأمین حقوق صنفی - رفاهی و تأمین امنیت شغلی طبقه کارگر و زحمتکشان است، از دیگر سو مضمون و خصلت سیاسی داشته و راهبرد اقتصادی - اجتماعی حکومت جمهوری اسلامی را هدف قرار می‌دهد و ظرفیتی ضد دیکتاتوری دارد. این مبارزه نه تنها توقف خصوصی‌سازی را در اولویت خود دارد، بلکه خصلت طبقاتی رژیم ولایت فقیه یعنی خصلتی که خصوصی‌سازی در بطن و بر مبنای آن انجام می‌گیرد را هم افشا می‌کند. این مبارزه در راستای تقویت صف‌های جنبش همگانی ضد دیکتاتوری عمل می‌کند. بنابراین، کسب حق نظارت و کنترل کارگری در چنین مبارزه‌ای نمی‌تواند نادیده گرفته شود. اما نکته پراهمیت در این مورد چگونگی نظارت، دامنه آن، ابزار دستیابی به این حق، و مسائلی از این قبیل است. برخلاف برخی پیش‌داوری‌ها و نظرات نادرست، تأمین حق نظارت و کنترل کارگری بدون احیای حقوق سندیکایی و برخورداری کارگران

ادامه با کاهش قدرت خرید کارگران پس وعده

می‌گیرند. کارگزاران رژیم که "ترمیم مزد" در نیمه دوم سال ۱۳۹۹ را وعده داده بودند، با این وجود رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری روز ۶ مهرماه گفت: "هیچ چشم‌انداز روشنی برای ترمیم دستمزد نمی‌بینیم. ... دولت سرسختانه مقابل ترمیم دستمزد ایستاده است."

دولت در روز ۷ مهرماه در بخشنامه بودجه سال آینده، "نرخ افزایش ریالی و دستمزد" برای سال آینده را ۲۵ درصد اعلام کرد. بر اساس گزارش ۱۲ مهرماه اینستا، رئیس سازمان برنامه و بودجه در این مورد گفته است: "در دولت‌های یازدهم و دوازدهم افزایش حقوق و دستمزد بالاتر از نرخ تورم صورت گرفته است. یک اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی "معیار محاسبه تورم مدنظر دولت" و "تورم نقطه به نقطه" را "جوک" نامید و گفت برای محاسبه نرخ تورم، "شاخص قیمت را برای اول و آخر دوره محاسبه می‌کنند و در نهایت شاخص قیمت‌ها را اعلام می‌کنند." در شرایطی که نرخ تورم در اسفندماه ۱۳۹۸، ۴۲ درصد بود، "تورم ۱۵ درصدی" بخشنامه بودجه سال ۱۳۹۹، ملاک تعیین دستمزد برای سال ۹۹ قرار گرفت. با تأکید روی ۲۵ درصدی نرخ افزایش ریالی و دستمزد در بخشنامه بودجه سال آینده، به جای "ترمیم مزد کارگران، رژیم ولایتی به دستمزد سال آینده کارگران یورش خود را نیز آغاز کرده است. مطابق گزارش ۱۳ مهرماه اینستا، به دلیل فاصله بسیار زیاد تورمی مؤلفه‌هایی چون مسکن، درمان، حمل‌ونقل" در مصوبه‌های کمیته دستمزد سال قبل "مقرر گردیده بود جلساتی برای تعیین درصد" این مؤلفه‌ها برگزار شود، که "تاکنون هیچ جلسه‌ای برگزار نشده است."

در چنین شرایطی، حق مسکن ۳۰۰ هزارتومانی کارگران که در اواخر مردادماه تصویب شد و پرداخت آن به شهریورماه موکول گردید، در ۹ مهرماه هنوز هم پرداخت نشده بود. در حالی که آموزش رایگان حق هر شهروند ایرانی است، با "مجازی‌سازی آموزش"، کارگزاران رژیم "خبرین" را به پرداخت هزینه تبلت "حداقل ۴ میلیون تومانی" میلیون‌ها دانش‌آموز کارگرانی که دستمزد یک‌چهارم خط فقر را دریافت می‌کنند، ترغیب کرده‌اند. با حذف ارز دولتی و افزایش لگام‌گسیخته قیمت کالاهای اساسی، مجلس رژیم "طرح تأمین کالاهای اساسی" برای ۶۰ میلیون ایرانی "با سوده‌های ناچیز" را در نظر دارد، اما در صورت تصویب این طرح در صحن علنی مجلس، بعد از دو ماه ممکن است اجرایی شود. در نشست قبلی شورای عالی کار، کارگزاران رژیم که وعده تشکیل جلسه‌ای برای "ترمیم مزد" کارگران را داده بودند، نه‌فقط خبری از برگزاری این نشست نیست، بلکه علاوه بر تهدید رئیس سازمان برنامه‌بودجه رژیم به ۲۵ درصدی بودن "نرخ افزایش ریالی و دستمزد" سال آینده، معاون وزیر کار در ۱۴ مهرماه از تشکیل جلسه ۱۵ مهرماه شورای عالی کار برای "پرداختن به موضوع مزد منطقه‌ای و مزد صنفی" خبر داد. اگر در راستای "آزادسازی مزد" تاکنون اصولاً دبیرکل خانه کارگر و معاون او "شناورسازی مزد" را پیش می‌کشیدند. اینک با طرح وزیر کار در مورد مزد منطقه‌ای و مزد صنفی، همسویی خانه کارگر با راهبرد اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه بیش‌ازپیش آشکار شده است. همراه با رهبران تشکل‌های مزد حکومتی، کارگزاران رژیم ولایتی اکنون برنامه مزد منطقه‌ای و صنفی را به‌منظور اجرایی کردن آزادسازی مزد مطرح می‌کنند. با مبارزه‌ای متحد می‌توان رژیم را مجبور به عقب‌نشینی کرده و از حقوق کارگران و زحمتکشان دفاع کرد.

ادامه ماهیگیران، زحمتکشان فراموش شده!

پشتوانه قوی مالی و حکومتی در دریا جولان دهند، به بستر دریا آسیب رسانند، و امنیت شغلی صیادان زحمتکش را به‌خطر اندازند.

چندی پیش نماینده بندرعباس و جزایر قشم، ابوموسی، و بندر خمیر در مجلس، در خصوص صید تال در خلیج فارس و دریای عمان گفت: "عملکرد کنشی‌های صیادی خارجی باعث شده تا صیادان سنتی امکان صید نداشته باشند." او همچنین با تأکید بر اینکه صیادان صنعتی از خلأهای موجود در کشور استفاده می‌کنند، اعتراف کرد: "گزارش‌هایی دریافت کرده‌ایم که صید صنعتی در آب‌های شرق استان هرمزگان آغاز شده، درحالی‌که مجوز صید جدید سنتی سالپان سال است که صادر نشده است" [سایت خانه ملت، هفتم مهرماه ۹۹]. هم‌اکنون ناوگان صیادی

طرح خانه‌دار کردن کارگران، از ادعا تا واقعیت

رژیم دیکتاتوری ولایت فقیه در تمام طول حیات خود اثبات کرده است که به‌هیچ‌عنوان توانایی پیشبرد سیاست‌های مردمی و اجرای برنامه‌هایی که تأمین‌کننده منافع کارگران و زحمتکشان باشد را ندارد. در تمام سال‌های بعد از انقلاب موضوع مسکن به‌عنوان یکی از مسئولیت‌های دولت در حق همه شهروندان به‌خصوص کارگران مطرح شده، اما در این چهار دهه نه‌تنها هیچ اقدامی مؤثر برای برخورداری شدن کارگران و زحمتکشان از مسکن مناسب انجام نگرفته است، بلکه با اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی و بازگذاشتن دست زمین‌خواران و دلالان در عرصه ساخت‌وساز، داشتن سرپناهی مناسب برای خانوارهای کارگری ناممکن گردیده است. با شکاف فزاینده بین دستمزدها و هزینه‌ها حاشیه‌نشینی زحمتکشان در اطراف کلان‌شهرها را شاهدیم. در چنین وضعیتی افزایش ناچیز ۲۰۰ هزارتومانی حق مسکن کارگران که با چندین ماه تأخیر به‌تصویب رسید، خود نشانه‌ای است از وجود نداشتن عزم و اراده‌ای در رژیم برای خانه‌دار کردن کارگران. حتی این افزایش نیم‌بند ۲۰۰ هزارتومانی هم دردی از دردهای بی‌شمار معیشتی زحمتکشان را درمان نمی‌کند. در زمانه‌ای که کارگران و زحمتکشان سراسر کشور به‌دلیل سیاست‌های ضد مردمی این رژیم در تأمین هزینه‌های مواد غذایی ساده ضروری به‌لحاظ مالی ناتوان شده‌اند چگونه می‌توانند برای تهیه مسکن مناسب با گرفتن وام از عهده پرداخت قسط‌های آن بایزند. به‌گزارش خبرگزاری مهر، ۲۲ مردادماه ۱۳۹۹، "با یک چرخ ساده در بقالی و سوپمارکت‌ها و دیدن قیمت‌ها متوجه می‌شویم که دیگر ماست و پنیر و کشک و دوغ جزو مواد غذایی ساده نیستند، بلکه باید آن‌ها را در سبد مواد غذایی لا‌کچری [لوکس] قرار داد." مطابق آخرین گزارش‌ها اکنون خطفقر به ۱۰ میلیون تومان رسیده است. با توجه به میزان دستمزد کارگران در قیاس با این خط فقر این پرسش مطرح است که آیا با دستمزدهای کنونی کارگران توان دست‌وپا کردن سرپناهی مناسب برای خود و خانواده‌های‌شان را دارند؟ کارگران و زحمتکشان میهن‌مان دیرگاهی است که با فرست طبقاتی‌شان به سرشت کارگرستیز نظام حاکم پی برده‌اند و با فریب‌کاری افرادی مانند وزیر کار، رهبران فاسد تشکل‌های مزد حکومتی، و وزیر راه و شهرسازی آشنا شدند. همان‌گونه که تا کنون سیاست‌های رژیم در عرصه مسکن به‌سود سرمایه‌داران و دلالان تمام شده است، پس از این هم با ادامه این سیاست‌های ضد ملی به‌ویژه سیاست تعدیل ساختاری، باید کارگران و زحمتکشان تنها با رؤیای خانه‌دار شدن به زندگی در حاشیه شهرها همراه با فقر و محرومیت بسازند.

خارجی به‌ویژه از اتحادیه اروپا از جمله اسپانیا، بلژیک و نیز شناورهای یک شرکت خصوصی با پرچم فیلیپین به‌صید در آب‌های جنوبی کشور مشغول هستند. این در حالی است که شیلات مجوز صید برای ماهیگیران سنتی صادر نمی‌کند و نسبت به اعتراض‌های آنان واکنشی نداده و نمی‌دهد.

پنهان‌کاری و فریب‌کاری از شیوه‌های شناخته‌شده حکومت جمهوری اسلامی است. نه از محتوای قراردادهایی که با شرکت‌های خارجی امضا شده نشانی هست و نه از افشای نام صیادان صنعتی وابسته به ارگان‌های حکومتی که امنیت شغلی و معیشت صیادان زحمتکش را به مخاطره انداخته‌اند خبری. آنچه برای رژیم ولایت فقیه از اهمیت برخوردار است کسب هرچه بیشتر درآمد برای بقای نظامش از هر طریق از جمله عقد قرارداد با کشورهای خارجی و هم‌زمان با آن استثمار کارگران و زحمتکشان میهن‌مان است.

تقویت تعاونی‌های ماهیگیران و استفاده از این تشکل‌ها و مشارکت دادن آنان در صید صنعتی قانونی از سوی شیلات یکی از خواست‌های ماهیگیران است. ماهیگیران مانند دیگر زحمتکشان کشور تأمین امنیت شغلی، حق بیمه، حق بازنشستگی، حق مسکن، پوشش بیمه خدمات درمانی، برخورداری از سندیکا، کسب درآمد مناسب برای زندگی، دریافت مزد عادلانه و بالاتر از خط فقر را خواستارند.

۱. صید تال یا کف‌روب به‌نوعی از صید آب‌زبان گفته می‌شود که به‌وسیله تور ماهیگیری بزرگی انجام می‌شود که به شکل قیف است و به دنبال شناور در بستر دریا کشیده می‌شود. این نوع ماهیگیری برای محیط زیست دریایی خسارت‌های سنگینی به همراه دارد.



پیمان‌های دسته‌جمعی، امنیت شغلی و مبارزه برای کاهش ساعت کار



ساعت کار ادامه داده و قبل از هر چیز از این ابزار در مذاکرات مزدی که در فصل پاییز امسال آغاز خواهد شد، استفاده کند.

به احتمال زیاد در مبارزه برای تضمین امنیت شغلی و مذاکره برای کاهش ساعت کار این پرسش‌ها مطرح خواهند شد که چگونه باید کاهش ساعت کار در صنایع تنظیم شود؟ آیا کاهش ساعت کار برای زمانی مشخص و محدود در نظر گرفته خواهد شد؟ پرسش بعدی اینکه اگر بحران سپری شود و سرمایه مجدداً به نیروی کار بیشتری نیاز داشته باشد، می‌تواند ساعت کاری را مجدداً افزایش دهد؟ یا اینکه در این مبارزه اتحادیه‌های صنایع فولاد به‌طور بنیادین موفق خواهد شد که برای همیشه چهار روز کار در هفته را برای کارگران به‌ارمغان بیاورد تا در نتیجه آن کارگران زمان آزاد بیشتری را برای خود داشته باشند؟ آیا کاهش ساعت کار با پرداخت کامل دستمزد یا حداقل با جبران خسارت دستمزد همراه خواهد بود؟

توازن قوا میان کار و سرمایه پاسخ به پرسش‌های مطرح شده در بالا را تعیین خواهد کرد. در هر صورت، شرایط مبارزه برای کارگران زن و مرد در صنایع الکترونیک، فولاد و اتحادیه آنان آسان نخواهد بود، زیرا صنعت فولاد و الکترونیک به رشته‌هایی تعلق دارند که آن رشته‌ها به‌ویژه تحت تأثیر روند دگرگونی‌ها در تولید قرار می‌گیرند. پیامد این دگرگونی‌ها در مقیاس گسترده، پیش از هر چیز امنیت شغلی کارگران ماهر و متشکل در سندیکاها را در برخی از کارخانه‌ها و شرکت‌هایی مانند بوش، کانتی یا زمینس آماج خود می‌گیرد. به‌رغم این شرایط دشوار، اتحادیه‌ای. گ. متال می‌خواهد در هفته‌های آینده در کمیسیون‌هایش و در کارخانه‌ها راه‌حل‌های پیشنهادی را به بحث و مشورت بگذارد. این امر به‌ویژه در کمیسیون مذاکره دسته‌جمعی نیز در نظر گرفته خواهد شد، در آنجا نمایندگان منتخب از کارخانه‌ها و دفاتر اداری آن مناطق در مورد خواسته‌های اتحادیه در مذاکرات دسته‌جمعی، تصمیم خواهند گرفت.

ترجمه از: "عصر ما"، نشریه حزب کمونیست آلمان (د.ک.پ)، ۷ شهریورماه ۱۳۹۹

<https://www.unsere-zeit.de/arbeitszeit-verkuerzen-134407/>

اتحادیه کارگران صنایع فولاد و

فلز آلمان (ای. گ. متال) مجدداً خواست جنبش کارگری و سندیکایی مبنی بر کاهش ساعت کار در هفته را در دستور کار خود قرار داده است. در رابطه با برنامه و راهبرد کارفرمایان در راستای کاهش و اخراج نیروی کار که تا به امروز با شدت و قوت در رشته‌های مختلف از جمله در صنایع الکترونیک و فولاد به اجرا گذاشته شده است، گنورگ هوفمان، دبیر بزرگ‌ترین اتحادیه سندیکایی کارگران در آلمان، اواخر تابستان امسال در مصاحبه‌ای با روزنامه جنوب آلمان (زود دوپچه سایتونگ) پیشنهاد اجرای چهار روز کار در هفته را به‌عنوان راه‌حل تضمین امنیت شغلی کارگران مطرح کرد. او یادآوری کرد که در رابطه با چگونگی اجرای چهار روز کار در هفته، درباره این پیشنهاد باید در کمیسیون‌های اتحادیه‌ای. گ. متال بحث و مشورت شود. در صورت موافقت با این پیشنهاد، این امر باید با پرداخت کامل دستمزدها همراه باشد تا کارگران در تأمین هزینه‌های زندگی با مشکل و مانعی مواجه نشوند. علاوه بر این، باید در بین کارگران این انگیزه به‌وجود آید تا آنان از وقت آزاد به‌دست‌آمده برای فراگیری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای استفاده کنند.

بالافاصله پس از طرح این خواست از سوی سندیکا (اتحادیه‌ای. گ. متال)، جبهه سرمایه به آن واکنش نشان داد. پس از دو روز اتحادیه کارفرمایان آلمان این خواست را غیرقابل‌پذیرش خواند. استیپان کامیتر، مدیرعامل اتحادیه کارفرمایان آلمان، تأکید کرد: "کارگران باید برای غلبه بر بحران اقتصادی بیشتر از گذشته کار کنند نه کمتر." او از ذکر این واقعیت امتناع می‌کند که طی بحران سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸ / ۱۳۷۷-۱۳۷۸، ساعت کار در برخی از شرکت‌ها نیز کاهش پیدا کرده بود. همچنین در تابستان همین سال کارخانه‌های صنایع خودروسازی‌ای مانند بوش، زد.اف (پنجمین تولیدکننده خودرو در جهان)، و دایملر بر سر کاهش ساعت کار به توافق رسیده بودند. این توافق البته بدون پرداخت غرامت دستمزد انجام گرفت.

الگو و دیدگاه مطرح شده از طرف جبهه سرمایه با این مضمون که باید در شرایط بحران اقتصادی کار بیشتری انجام داد، بر پایه پژوهش‌های معتبر مردود است. کارخانه فولادسازی هسن اعلام کرد که در ماه مه ۲۰۲۰ / اردیبهشت- خرداد ۱۳۹۹ تقریباً از هر دو کارگر، یک نفر در صنایع فولاد و الکترونیک در شهر هسن به اداره کار برای کار کوتاه‌مدت معرفی شدند. نمونه این داده‌ها را می‌توان در استان‌های دیگر نیز مشاهده کرد و می‌توان با قاطعیت گفت که وضعیت کلی در چند ماه گذشته بهبود نیافته است. بنابراین انتظار می‌رود که جبهه سرمایه به‌مخالفت در برابر خواست کاهش

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۳۸
Nameh Mardom - Workers Supplement No.38

12 October 2020

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727

